

نفضال سے
ابوالفضل

یکصد خاندان حکومت گران خاندان اتابک



امین الملک . اسمعیل

۶

ولی همینکه محمد علی شاه کودتا کرد ، مجلس را بنوب بست ، آزادپخواهان را کشت دیو خودکامگی بر اوضاع چیره شد ، زمان بزرگداشت مظهر زور گوئی فرا رسید در روز سه شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۶ (۲۸ مرداد) از مرده اتابک تجلیل شد ، وجنازه عباس آقا فدائی ملت را از گور بدر آوردند به او بی احترامی کردند آیا رسالت نویسنده و حق طلبی حکم میکند ما از چنین کسی که محمد علی شاه از او تجلیل می کند به نیکنامی یاد کنیم او را بنام (رهبر مشروطه) بشناسانیم لابد وقتی اتابک رهبر مشروطه شد عباس آقا خائن به ملت و مشروطه و آزادیست .

دیدیم که پسر بزرگ امین السلطان و برادر علی اصغر اتابک (محمد علی امین حضرت) بود . این برادر بعکس پدر روح وارستگی داشت کمتر نامش آلوده ببدی شده است از او فرزندان چندی باقی ماند که معروفترین آنان : غلامعلی امین حضرت ، ابوالفتح اتابکی هستند .

مهندس کریم اتابکی که از افراد برجسته حزب ایران نوین بشمار میرفت پسر ابوالفتح اتابکی است سایر برادران نامدار علی اصغر اتابک : آقا محمد حسن ، مصطفی وکیل الدوله ، محمد قاسم وکیل السلطنه هستند .

وکیل السلطنه روابطش با برادر خیلی نزدیک و خوب بود و پستهای گوناگونی یافت . مدتی رئیس اداره شترخانه و قاطر خانه و تخت خانه ، رئیس عمله و دواب ، رئیس خواروبار شاهی می بود . جرج چرچیل در کتاب خود او را جزو شخصیت‌های معروف و سرشناس ایران و دارای مشاغل نسبتاً مهم در دربار می نویسد و سپس می افزاید : وکیل السلطنه دو پسر خود را برای تحصیل به مسکو فرستاد .

وکیل السلطنه بعد از عزل برادر خود را به مشروطه طلبان نزدیک می کند و به عضویت انجمن سری آدمیت در می آید ^۱ .

محمد صادق اتابکی (عزالسلطان) و منوچهر اتابکی فرزندان او هستند .

امین السلطنه ، محمد علی

محمد علی اتابکی از سوی پیوند سببی و ازدواج با خواهر و سپس دختر اتابک جزء این خاندان می شود بسال ۱۲۸۸ ق . به امین السلطنه ملقب می گردد . بخاطر این امانت داری شاهی در امور مالی و پولی بترقیات زیادی نایل می گردد .

امین السلطنه مانند بیشتر افراد سرشناس خاندان اتابکی ابتدا بعنوان غلام بچه و پیشخدمت وارد اندرون شاهی می شود ، سپس بجای علیرضا خان قاجار (عضدالملک) غلامباشی می گردد و بتدریج عهده دار مشاغل : زیندار باشی ، جامه دار شاهی ، مستوفی ذخایر قشونی و خزانه دار مخزن تدارکات ارتشی ، صندوقدار باشی ، رابط بین شاه و وزیران و مجلس شورای کبیر دولتی می گردد و به پست وزارت بقایا میرسد . در سفرهای اول و سوم ناصرالدین شاه به اروپا ملتزم رکاب بود . وی مردی بی سواد و عامی بود و شاید هم بجهت همین ساده لوحی نتوانسته پوششی بر روی کارهای خلاف خود بگذارد و مثل امین السلطان اول و دوم ماسک فریبنده داشته باشد .

وی بخاطر پستهای مالی و خدماتی و اموالی که داشت و علاوه بر این مداخل خوبی عاید او میشد در اندک مدت مرد متمکن می شود بنوشته اعتماد السلطنه که گویا با او میانه خوبی هم نداشت مداخل سالانه او را در سال ۱۳۰۸ سی و چهل هزار تومان می نویسد . پس از برکناری از کار ، سخت مورد اتهام حیف و میل جواهر و عتیقه جات و آثار باستانی و کتابهای بهادر و خطی می شود ولی گویا این عمل بیشتر بر اثر ناتوانی او در کارها بوده است مظلّمها بیشتر به گردن او و زرها زیادتر گیر روند می افتد .

حاج امین السلطنه مرد همت‌ظاهر مذهبی بود؛ به مکه رفت برای قبور ائمه ضریح درست می‌کرد بقول اعتماد السلطنه صدای تلاوت قرآنش بلند بود ولی از اخاذی و دست‌اندازی به بیت‌المال و همیاری ابا نداشت اعتماد السلطنه در این مورد می‌نویسد: (: : امین الملک مرا به منزل خودش دعوت کرد به حلیم به‌اصرار آنجا رفتیم؛ امین السلطنه حلیم را با شکر آب کرده می‌خوردند پرسیدم چرا گفتند قند حرام است بعد از ناهار می‌آیدم دو طفل ماه‌پیکر منزل امین السلطنه دیدم پرسیدم آدم کی هستند به‌خنده گفتند از آن امین السلطنه معلوم شد در طریقه ایشان لواط حرام نیست اما خوردن قند حرام لعنت باین مخلوق باد .)

تحریم قند از سوی بعضی از پیشوایان مذهبی می‌بود آنهم وقتی در کارخانه قند کهریزک قند درست شد از اینجهت تحریم گردید تا امین‌الدوله ورشکست شود دیگر بار ما قند از خارج وارد کنیم .

خازن‌الدوله پسر بزرگ امین السلطنه می‌بود که چون جوانی بی بند و بار و خوشگذران بود مال پدر را هم‌ماز بین برد وی تولیدار جزایر قشم و خمیر در خلیج فارس بود؛ سدید السلطنه کبابی نویسنده تاریخ بندر عباس و خلیج فارس درباره نحوه تصرف این نقاط می‌نویسد: «مصلحت نیست که از پرده برون افتد راز» .

امین الملک ، اسماعیل

اسماعیل امین الملک پسر محمد ابراهیم امین السلطان اول برادر امین السلطان دوم (اتابک) در ۱۲۸۴ق (۱۸۶۷ م) پا بجهان می‌گذارد ابتدا او را به فرا گرفتن علوم دینی می‌گمارند تا کمبود قدرت خاندان اتابک در میان ملایان جبران شود ، ولی اندکی بعد عمامه به کلاه تبدیل می‌شود ، امین الملک وارد کارهای درباری و سیاسی می‌گردد . در ۱۲۹۰ رئیس اداره خزانه در ۱۳۰۰ وزیر ضرابخانه و خزانه و گمرک و رئیس موزه و ابنیه دولتی و اندرون و بیونات سلطنتی و اداره غلات و اداره ایلات دارالخلافه و سپس وزیر دربار می‌شود .

در ۱۳۰۱ وزیر مالیه در ۱۳۰۳ عضودارالشورای کبیر ، در (۱۳۱۰ - ۱۳۱۴) ، مسئول همه ادارات گمرک امین الملک بعکس برادر بزرگتر خود (محمد علی امین حضرت)

مورد توجه و اعتماد کامل اتابک می بود ، در مسافرت شاه به اروپا به نیابت صدارت عظمی تعیین گردید ، در همه امور وهمه جا دستیار و نماینده و نایب و معارن اتابک بود ، کارها بخصوص امور مالی را با شراکت برادر فیصل میداد از اینزو در اندک مدتی ثروت و مکننت هنگفتی بیندوخت ، جرج چرچیل در کتاب خود از دارائی زیاد او یاد می کند ، (بامداد) او را از متمولترین اشخاص عصر خود می نویسد . امین الدوله نخست دزدی او را پس از مرگ پدر ، بالا کشیدن هفتاد هزار تومان که بیول امروز میلیونها می شود می نویسد که امین الملک این وجوه مالیاتی و کممرکی را می بلعد . در واقعه رژی و انتقاد مخالفان از اتابک و دستگاه در شب نامه های منتشره نیز امین الملک را متهم می کنند حقوق نوکران دولت رامی خورد و از اینراه تمول سرشاری بدست آورده است ، نظیر همین نظریه را اعتماد السلطنه در یادداشت روز ۲۹ محرم ۱۳۰۶ یادآور می گردد .

وقتی در ابتدای پادشاهی مظفرالدین شاه ، اتابک از کار برکنار می شود میرزا علیخان امین الدوله امین الملک را بجهت سوء استفاده ها تئیکه در مدت چهار سال شده بود مورد تعقیب قرار میدهد ولی عمر کوتاه صدارت امین الدوله مجال رسیدگی بحساب برادر اتابک نمیدهد . اندکی بعد دگر بار اتابک به صدارت باز میگردد ، برادرش نیز با نیروی جدید و آز و هوس بیشتر به غارت بیت المال می پردازد .

اسماعیل امین الملک مکرر به دریافت القاب و خلعت ها و نشانها و تمثال و شمشه مرصع از سوی دو پادشاه نایل می گردد .

امین الملک به بیماری مهلکی دچار می گردد در ۳۲ سالگی پنجشنبه ۴ ذی حجه ۱۳۱۶ (۱۸۹۹ م .) در میگذرد .

از امین الملک دو فرزند سرشناس باقی میماند یکی عیسی که در (۱۳۰۷ ق .) ۱۸۰۹ . لقب پدر را بدست میآورد ، به امین الملک معروف می شود . و دیگری موسی معروفی پدر جواد معروفی یکی از استادان موسیقی ایران است .

فرزندان اسکندربیک

یکی دیگر از فرزندان ابراهیم امین السلطان و برادر علی اصغر اتابک مردی بنام اسکندر بیک می بود که سالهای متعادی امور (دخیل آبدارخانه) را بعهده داشت از او دو فرزند نامدار باقی ماند : یوسف خان سقا باشی پسر اسکندر بیک بجهت اشتغال مدت درازی به امور سقا باشی گری باین نام معروف گردید ، یوسف سقا باشی بعد عهده دار کار آب و نان دار ریاست اداره آب و غله تهران شد و از اینراه ثروتی اندوخت .

(ادامه دارد)